

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۳/۱۳

تاریخ تصویب مقاله: ۹۰/۱۰/۱۴

بررسی رابطه‌ی بین تعالی معنوی و تاب آوری در دانشجویان دانشگاه

لادن هاشمی* و دکتر بهرام جوکار**

چکیده

تعالی معنوی را می‌توان تجلی درونی دین داری محسوب نمود. (پایدمونت، ۲۰۰۴) در دهه‌های اخیر با اوج‌گیری پژوهش‌های حوزه روانشناسی دین، توجه به پیامدهای تعالی معنوی، فزونی یافته است. هدف پژوهش حاضر بررسی ارتباط ابعاد تعالی معنوی با تاب آوری بود. نمونه پژوهش شامل ۲۷۰ دانشجوی کارشناسی روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان بودند. برای اندازه‌گیری تعالی معنوی از مقیاس تعالی معنوی ساخته‌ی پایدمونت (۱۹۹۹) استفاده شد. این مقیاس شامل ۲۴ گویه و متشکل از ۳ عامل وحدت، کامروایی معنوی و پیوند معنوی بود. جهت سنجش تاب آوری از مقیاس تاب آوری کانر و دیویدسن (۲۰۰۳؛ اقتباس از جوکار ۱۳۸۶) استفاده شد. به منظور سنجش پایایی ابزارها از ضریب آلفای کرونباخ و باز آزمایی و برای تعیین روایی از روش تحلیل عوامل استفاده شد. نتایج ضرایب همبستگی بین عوامل و نمره کل مقیاس تعالی معنوی با مقیاس تاب آوری، بیانگر ارتباط معنی دار تعالی معنوی با تاب آوری بود. نتایج حاصل از رگرسیون همزمان تاب، آوری روی

Email: ldnhashemi@iaua.ac.ir

* دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی دانشگاه شیراز

** دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شیراز

عوامل تعالی معنوی، نشان داد که عامل پیوند معنوی و وحدت معنوی پیش بینی کننده های معنی دار تاب آوری بودند. نتایج حاصل بیانگر نقش معنویت در افزایش ظرفیت تاب آوری افراد بود.

واژه های کلیدی: تعالی معنوی، کامروایی معنوی، پیوند معنوی، وحدت و تاب آوری

مقدمه

از دهه ۱۹۷۰ به بعد، به تدریج تردیدهایی پیرامون رسالت روانشناسی به عنوان علم مطالعه مشکلات و اختلالات روانی پدید آمد. با بروز این تردیدها رویکرد جدیدی تحت عنوان روانشناسی مثبت گرا شکل گرفت که به جای تأکید بر عوامل خطرزا، نابهنجاری ها و اختلالات روانی، توجه اش را معطوف عواملی کرد که تاثیر عوامل خطرزا را تعدیل می کند و کودکان را در مقابل مبتلا شدن به مشکلات روانشناختی حمایت می نماید یا به آنها کمک می کند سریع تر به بهبودی دست یابند. (گراسمن و مور^۱، ۱۹۹۴) از این رو عواملی که موجبات تطابق هر چه بیشتر آدمی با نیازها و تهدیدات زندگی را سبب شوند، بنیادی ترین سازه های مورد پژوهش این رویکرد می باشند. در این میان، تاب آوری^۲ جایگاه ویژه ای - خصوصاً در حوزه های روانشناسی تحول، روانشناسی خانواده و بهداشت روانی - به خود اختصاص داده است. به طوری که هر روز بر شمار پژوهش های مرتبط با این سازه افزوده می گردد. (جوکار، ۱۳۸۶) به طور کلی واژه تاب آوری به عوامل و فرایندهایی اطلاق می شود که خط سیر رشد را از خطر به رفتارهای مشکل زا و آسیب روانشناختی قطع کرده و علی رغم وجود شرایط ناگوار، به پیامدهای سازگارانه منتهی می شوند. گارمزی و ماستن^۳ (۱۹۹۱) تاب آوری را "یک فرایند، توانایی، یا پیامد سازگاری موفقیت آمیز علی رغم شرایط تهدید کننده"، تعریف نموده اند. راتر^۴ (۱۹۸۷) تاب آوری را مکانیزمی حمایت کننده تعریف کرده است که پاسخ فرد به موقعیت پر مخاطره را

^۱ - Grossman & Moore

^۲ - Resilience

^۳ - Garmezy & Masten

^۴ - Rutter

تعدیل می کند. تاب آوری موجب سازگاری مناسب در مواجهه با مشکلات می شود و چیزی بیش از اجتناب ساده از پیامدهای منفی است. (کاون^۱ و همکاران، ۱۹۹۶)

محققان بسیاری در پی شناسایی عوامل مؤثر بر تاب آوری بوده اند. فرض بر این است که عوامل حمایت کننده ای^۲ وجود دارند که می توانند واکنش به تجارب استرس زا و بلایای مزمن را تبیین کنند. (فراسر، ریچمن و گالینسکی^۳، ۱۹۹۹)

طی سالهای اخیر، حجم وسیعی از پژوهش های نظری و تجربی، به شناسایی این عوامل حمایت کننده پرداخته اند؛ در این راستا، تأثیر عواملی نظیر اعتماد به نفس، انسجام خانوادگی، مهارت های شناختی سطح بالا (هاسر^۴، ۲۰۰۶)، سبکهای اسنادی مثبت (لاتار و گوشینگ^۵، ۱۹۹۹)، مهارت های توسعه روابط صمیمانه و پیشرفت تحصیلی (ولتاین و فیناور^۶، ۱۹۹۳)، با تاب آوری مورد مطالعه قرار گرفته است و معلوم شد که این متغیرها با تاب آوری رابطه ای مثبت دارند. تعداد بسیار اندکی از تحقیقات نیز به بررسی تأثیر معنویت و باورهای معنوی، به عنوان عاملی حمایت کننده در سازگاری با موقعیتهای مخاطره آمیز، پرداخته اند. به نظر می رسد اعتقاد به نیرویی برتر، مایه تسلی در شرایط دردناک و تهدید کننده باشد و تحمل شرایط دردناک را تسهیل بخشد؛ با این وجود تنها تعداد قلیلی از تحقیقات مزبور که نقش معنویت را در تاب آوری نشان می دهند از ابزارهای خاص معنویت استفاده کرده اند. پژوهش حاضر به دنبال بررسی نقش تعالی معنوی به عنوان یک عامل حمایت کننده در تاب آوری افراد می باشد و در این راستا از مقیاسی که پایدمونت^۷ (۱۹۹۹) مشخصاً برای اندازه گیری باورهای معنوی ساخته، استفاده شده است.

^۱ -Cowan

^۲ -Protective factors

^۳ - Fraser, Richman, and Galinsky

^۴ - Hauser

^۵ - Luthar & Gushing

^۶ -Valentine.I.&Feinauer

^۷ - Piedmont

نگاهی به تعاریف موجود معنویت^۱ بیانگر وجود چهار ویژگی اساسی لازم و ملزوم در این تعاریف است (دلگادو^۲، ۲۰۰۵) که عبارتند از: ۱- معنویت به پذیرش سیستمی از باورها نیاز دارد. مارکوئن^۳ (۱۹۹۴) معتقد است "معنویت نمی تواند کاملاً خود ساخته باشد؛ بلکه طی تعاملاتی که فرد با فرهنگ خود دارد شکل می گیرد". این باورهای هستی گراییانه ممکن است مذهبی (خداپرستانه) یا غیر مذهبی (منکر وجود خدا) باشند ۲- معنویت مستلزم جستجو یا پرسش برای معنا و هدف زندگی است. این پرسش ها مربوط است به جوهر و اصل هستی. یافتن معنا و هدف زندگی مربوط است به رسالتی که فرد احساس می کند به خاطر آن به سرنوشت خاصی فراخوانده شده است. در راستای این جستجو، معمولاً تغییراتی در ارزش های فرد دیده می شود (از ارزش های مادی به ارزش های نعدوستانه یا آرمانگرایانه) ۳- معنویت شامل آگاهی از پیوند یا ارتباط با دیگران است. حین جستجویی که فرد برای یافتن معنا و هدف زندگی انجام می دهد، خودشناسی و رشدی حاصل می شود که به برقراری پیوندی بین خود، دیگران، جهان و وجود نهایی (خدا) منجر می شود ۴- معنویت دربرگیرنده‌ی تعالی یا فرا رفتن از خویشتن خود می باشد. تعالی یعنی باور به اینکه فرا رفتن از خود امکان پذیر است. تعالی در ضمن اشاره دارد به تجربه ای متافیزیکی. (فرای جنبه های معمول ادراک انسان) الکینز^۴ و همکاران (۱۹۸۸) معتقدند تجربه تعالی شبیه است به تجربه اوجی که مازلو از آن نام می برد. در اینگونه تجارب فرد در نتیجه ی تماس با بعدی نادیدنی قدرت خاصی پیدا می کند.

پایدمونت (۲۰۰۲، ۲۰۰۱، ۲۰۰۴) با تأکید بر ویژگی های فوق، معنویت را تلاش فرد برای ساختن معنایی وسیع از هدف نهایی مرگ و زندگی تعریف کرده است. بدین معنا که انسان از مرگ و فناپذیری خود آگاه است و در نتیجه تلاش می کند تا هدف و معنایی برای زندگی اش بیابد. او از خود می پرسد که هدف از وجود چیست و ارزش او برای جهانی که در آن سکنی

^۱ - Spirituality

^۲ - Delgado

^۳ - Marcoen

^۴ - Elkins

گزیده است، چه می‌باشد. پاسخ به این سئوالات وجودی (هستی‌گرایانه) به انسان کمک می‌کند تا بخش‌های مجزای زندگی را بهم متصل کند و یک کل معنادار بسازد. در این میان، جهت‌گیری معنوی زمانی شکل می‌گیرد که این پاسخ‌ها انسان را هدایت کند به سمت تدوین معنایی از تعالی معنوی یا "استعداد فرد برای بیرون ایستادن از زمان و مکان حاضر و دیدن زندگی از یک منظرگاه بزرگتر و عینی‌تر". این دیدگاه متعالی چیزی است که شخص از طریق آن یک کلیت بنیادی و زیربنایی را می‌بیند که اساس همه ی تلاش‌های طبیعت است. (پایدمونت، ۱۹۹۹)

به اعتقاد پایدمونت تمایل انسان‌ها به یافتن معنایی در این واقعیت که فناپذیر هستند (که تعریفی از معنویت است) ریشه در بسیاری از ساختارهای آناتومیک مغزشان دارد. بنابراین معنویت یک تجربه ی انسانی و جهانی است. با وجود اینکه اعمال مذهبی، تشریفات مذهبی و دیدگاه نسبت به خدا ممکن است در بین فرهنگ‌های مختلف متنوع باشد، با این حال تمایل انسان‌ها به ارتباط برقرار کردن با واقعیتی بزرگ و مقدس در طول زمان، نیروی ثابتی بوده است.

با توجه به مطالب فوق تهیه مقیاسی معتبر برای اندازه‌گیری معنویت (نه تدین) مورد توجه برخی محققان بوده است. (اینگرام و ساندویک^۱، ۱۹۹۴؛ ایلسون^۲، ۱۹۸۳؛ هال و ادواردز^۳، ۱۹۹۶) پایدمونت در سال ۱۹۹۹ ابزاری را تحت عنوان مقیاس تعالی معنوی (اس تی اس)^۴ تهیه نمود.

فلاج (۱۹۸۸) بر این عقیده است که حالات تاب‌آوری طی یک فرایند شکست و انسجام مجدد به دست می‌آید. انسجام مجدد تاب‌آورانه برای رشد به انرژی نیاز دارد؛ به نظر می‌رسد این انرژی یک منبع معنوی و ذاتی دارد. به اعتقاد فلاج نیرویی در درون هر فرد وجود دارد که او را به سوی خودشکوفایی، نعدوستی، خرد، و هماهنگی سوق می‌دهد. این نیرو از یک منبع

^۱-Ingram & Sandvike

^۲-Ellison

^۳-Hall & Edwards

^۴-Spiritual Transcendence Scale(STS)

معنوی سرچشمه می گیرد. تعدادی از تحقیقات انجام گرفته در حوزه ی تاب‌آوری نشان می‌دهند که خوش بینی، یافتن معنا در تجارب منفی، دیدن تجارب منفی از دیدگاهی مثبت و نگاه کردن به آنها به عنوان تجارب ضروری زندگی، اعتقاد به وجود یک منبع، باور به وجود یک قدرت برتر و باور به اینکه شخص توانایی حل مسأله را دارد با تاب‌آوری و سازگاری با ضربه روانی همبستگی بالایی دارد. (کالیل^۱، ۲۰۰۳) بعنوان مثال تی سوانگ، ویلیامز، سیمپسون و لایونز^۲ (۲۰۰۲) طی تحقیقی راجع به معنویت، بیماری‌های ذهنی و ضربه روحی دریافتند که بهزیستی هستی‌گرایانه (وجودی) و نه مذهبی، با متغیرهای شخصیتی نظیر واکنش‌پذیری به استرس، رابطه مثبت و با سوء مصرف الکل و اختلال شخصیت رابطه منفی دارد. (به نقل از کانر، دیویدسون و لی، ۲۰۰۳) ولتاین و فیناور (۱۹۹۳) طی تحقیقی کیفی بر روی زنانی که در کودکی مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته بودند، دریافتند که باورهای معنوی و جستجوی معنا برای زندگی و ایمان به نیرویی برتر، به این افراد کمک کرده تا بر احساسات منفی ناشی از این تجربه نظیر افسردگی، شرم و احساس گناه غلبه کنند.

با وجود اینکه برخی از تحقیقات کمی و کیفی انجام گرفته نشان می‌دهد که باورهای معنوی و یافتن معنای شخصی در موقعیت‌های دردناک بر توانایی شخص برای مقابله تاثیر می‌گذارد و با تاب‌آوری و مقابله رابطه مثبت دارد (ولتاین و فیناور، ۱۹۹۳؛ کارسون^۳، ۱۹۹۰؛ هاسر^۴، ۱۹۹۹؛ کلایجیان و شاهینیان^۵، ۱۹۹۸؛ پارگامنت، اسمیت و کوئینگ^۶، ۱۹۹۶؛ پارک^۷، ۱۹۹۸؛ ورنر^۸ و اسمیت، ۱۹۸۲)، با این حال معنویت عامل اصلی مورد بررسی در این تحقیقات

^۱ - Kalil

^۲ -Tsuang, Williams, Simpson & Lyons

^۳ -Carson

^۴ - Hauser

^۵ - kalayjian & shahinian

^۶ - Pargament, K.I., Smith, B., & Koeing

^۷ - Park

^۸ - Werner

نبوده است. در ضمن، در این تحقیقات غالباً از ابزارهایی که مذهبی بودن را می سنجند، استفاده کرده‌اند که احتمالاً با توجه به تفاوت ماهوی بین این دو سازه، قادر نبوده‌اند درک شخص از معنویت را اندازه بگیرند.

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش معنویت در تاب‌آوری دانشجویان انجام پذیرفت؛ در این راستا پاسخ‌گویی به سؤالات زیر مدنظر بوده است:

- ۱- آیا بین دختران و پسران از نظر تعالی معنوی و تاب‌آوری تفاوت معناداری وجود دارد؟
- ۲- آیا تاب‌آوری دانشجویان با تعالی معنوی آنها رابطه دارد؟
- ۳- کدام‌یک از مؤلفه‌های تعالی معنوی، چگونه و تا چه حدی تاب‌آوری را پیش‌بینی می‌کنند؟

روش تحقیق

با توجه به ابزارهای مورد استفاده، عنوان پژوهش و همچنین تلاش پژوهشگر در بررسی ارتباط سازه‌های معنویت و مؤلفه‌های آن با تاب‌آوری، روش پژوهش از نوع مقطعی می‌باشد. شرکت‌کنندگان پژوهش حاضر شامل ۲۷۰ دانشجوی (دختر ۱۸۰ نفر و پسر ۹۰ نفر) دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان بودند که به شیوه خوشه‌ای دو مرحله‌ای انتخاب شدند. بدین ترتیب که از بین دانشکده‌های موجود در این دانشگاه، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی به عنوان خوشه اول و سپس از ۳۰ کلاس دایر در این دانشکده ۶ کلاس به عنوان نمونه (خوشه دوم) انتخاب شد و کلیه دانشجویان حاضر در کلاس مورد آزمون قرار گرفتند. لازم به توضیح است که ۳۱ پرسشنامه به علت عدم دقت یا نقص در پاسخگویی مورد تحلیل قرار نگرفت و در تحلیل نهایی، نمونه پژوهش به ۲۳۹ نفر تقلیل یافت.

ابزار پژوهش

۱- مقیاس تاب آوری کانر و دیویدسون^۱ (CD-RISC): این مقیاس شامل ۲۵ گویه می‌باشد و توسط کانر و دیویدسون (۲۰۰۳)، جهت اندازه‌گیری قدرت مقابله با فشار و تهدید، تهیه شده است. برای هر گویه، طیف درجه بندی پنج گزینه‌ای (کاملاً نادرست تا همیشه درست) در نظر گرفته شده که از یک (کاملاً نادرست) تا پنج (همیشه درست) نمره گذاری می‌شود. این مقیاس اگرچه ابعاد مختلف تاب‌آوری را می‌سنجد، ولی دارای یک نمره کل می‌باشد. روایی (به روش تحلیل عوامل و روایی همگرا و واگرا) و پایایی (به روش بازآزمایی و آلفا کرونباخ) مقیاس توسط سازندگان آزمون در گروه‌های مختلف (عادی و در خطر) احراز گردیده است. (کانر و دیویدسون، ۲۰۰۳) نسخه فارسی این مقیاس توسط جوکار (۱۳۸۶) تهیه شده است.

در پژوهش حاضر برای احراز پایایی از روش آلفای کرونباخ و باز آزمایی و برای تعیین روایی از روش تحلیل عاملی استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ مقیاس برابر ۰/۸۷ و پایایی به روش بازآزمایی برابر ۰/۷۳ بود. لازم به ذکر است که فاصله بین دو بار اجرای آزمون جهت محاسبه ضریب بازآزمایی سه هفته بوده است.

نتایج تحلیل عاملی به روش مولفه‌های اصلی بیانگر وجود یک عامل کلی در مقیاس بود. ملاک استخراج عوامل شیب منحنی اسکری و ارزش ویژه^۲ بالاتر از یک بود. گویه شماره ۲۰ به علت بار عاملی نامطلوب از تحلیل‌ها کنار گذاشته شد. شاخص KMO برابر ۰/۸۸ و ضریب کرویّت بارتلت برابر ۱۵۷۱، و در سطح ۰/۰۰۱ معنا دار بود که نشان دهنده کفایت نمونه‌گیری گویه‌ها و ماتریس همبستگی بودند.

۲- مقیاس تعالی معنوی پایدومنت (STS): این مقیاس شامل ۲۴ گویه می‌باشد و توسط پایدومنت (۱۹۹۹) به منظور سنجش مؤلفه‌های تعالی معنوی ساخته شده است. مؤلفه‌های

^۱ - Connor-Davidson Resilience Scale

^۲ - Eigen value

این مقیاس عبارتند از: کامروایی معنوی^۱: احساس لذت و خرسندی که ناشی از مواجهه ی شخص با یک وجود متعالی است (مثلاً؛ به واسطه ی نیایش ها و مراقبه های روحی در درون خودم احساس قدرت و آرامش می کنم)؛ وحدت و یکپارچگی^۲: باور به ماهیت متحد کننده ی زندگی (بعنوان مثال؛ احساس می کنم تمامی انسانها در سطحی بالاتر از جهان مادی، در یک ارتباط مشترک سهیم هستند) و پیوند معنوی^۳: باور به اینکه فرد بخشی از حقیقت انسانی بزرگتری است که از بین نسل ها و گروه ها عبور می کند. (بعنوان مثال؛ درباره ی کسانی که بعد از من پا به این دنیا می گذارند نگران هستم)

در مقابل هر گویه طیف پنج گزینه ای از نمره یک برای "کاملاً مخالف" تا پنج برای "کاملاً موافق" در نظر گرفته شده است. پایدمونت (۱۹۹۹) نشان داد که این مقیاس پایایی قابل قبولی دارد. (برای خرده مقیاس های وحدت، کامروایی معنوی و پیوند معنوی به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۸۷ و ۰/۶۴) در پژوهش حاضر به منظور سنجش پایایی این ابزار از ضریب آلفای کرونباخ و باز آزمایی و برای تعیین روایی از روش تحلیل عوامل استفاده شد.

نتایج پایایی آلفای کرونباخ برای زیر مقیاس های تعالی معنوی شامل وحدت، کامروایی معنوی و پیوند معنوی به ترتیب برابر ۰/۷۳، ۰/۷۴، ۰/۷۵ و در کل مقیاس برابر ۰/۸۴ بود. ضرایب باز آزمایی نیز برای زیر مقیاس های مذکور به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۹۱، ۰/۶۸ و برای کل آزمون برابر ۰/۸۴ بود. لازم به ذکر است فاصله بین دو بار اجرای آزمون جهت محاسبه ضریب باز آزمایی سه هفته بوده است.

نتایج تحلیل عوامل به روش مؤلفه های اصلی و با چرخش واریماکس مؤید عوامل مذکور در مقیاس تعالی معنوی بود. گویه های ۱۰، ۱۶، ۷ و ۲۲ به دلیل بار عاملی پایین از عوامل استخراجی حذف شدند. شاخص KMO برابر ۰/۸۶ و مقدار حاصل از آزمون کرویت بارتلت

^۱ - Prayer fulfillment

^۲ - Universality

^۳ - Connectedness

نیز برابر ۱۸۰۷ و در سطح ۰/۰۰۱ معنی دار بود. نتایج تحلیل عاملی این پرسشنامه در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱: نتایج تحلیل عاملی پرسشنامه تعالی معنوی

پیوند معنوی	وحدت	کامروایی معنوی	گویه
			۲
			۳
			۱۴
			۱۷
			۱۸
		۰/۵۳	۱۹
		۰/۵۱	۲۱
		۰/۵۱	۴
		۰/۴۸	۵
	۰/۵۸	۰/۶۶	۶
	۰/۶۳	۰/۶۵	۱۱
	۰/۶۳	۰/۵۳	۱۳
	۰/۴۵		۱۵
	۰/۶۵		۲۳
	۰/۶۴		۲۴
۰/۶۷	۰/۶۸		۱
۰/۴۵	۰/۳۸		۸
۰/۵۳			۹
۰/۶۹			۱۲
۱/۲۷	۵/۱۸	۱/۴۷	ارزش ویژه
۱۰/۲۴	۱۷/۳۴	۱۴/۲۲	درصد واریانس

یافته های پژوهش

به منظور پاسخگویی به سوال اول پژوهش و بررسی تأثیر متغیر جنسیت بر تعالی معنوی، از آزمون t برای مقایسه میانگین نمونه های مستقل، نمره دانشجویان دختر و پسر در سه عامل وحدت، پیوند معنوی و کامروایی معنوی و نمره کل تعالی معنوی مورد مقایسه قرار گرفت. (جدول ۲)

جدول ۲: مقایسه نمرات دختران و پسران در آزمون تعالی معنوی و تاب آوری

عامل	گروه	میانگین	درجه آزادی	t	P
وحدت	دختران	۳۳/۸۶	۲۳۷	-۰/۵۹۱	NS
	پسران	۳۳/۴۵			
پیوند معنوی	دختران	۱۸/۳۲	۲۳۷	-۱/۰۷۰	NS
	پسران	۱۷/۷۷			
کامروایی معنوی	دختران	۲۷/۳۵	۲۳۷	-۳/۳۲۷	NS
	پسران	۲۵/۲۲			
نمره کل تعالی معنوی	دختران	۷۵/۵۷	۲۳۷	-۲/۱۶۳	NS
	پسران	۷۲/۴۰			
تاب آوری	دختران	۸۵/۲۸	۲۳۷	۱/۲۰	NS
	پسران	۸۸/۶۰			

همانگونه که از جدول ۲ مشخص می شود، در هیچیک از چهار متغیر مورد بررسی، تفاوت‌های بین دختران و پسران از نظر آماری معنادار نبود؛ از این رو در تحلیل های بعدی نقش جنسیت لحاظ نشد.

به منظور پاسخگویی به سوال دوم پژوهش، ماتریس همبستگی، میانگین و انحراف معیار بین متغیرهای تحقیق در جدول ۳ آورده شده است. همانگونه که یافته‌های جدول نشان می دهد، بین تاب آوری و مؤلفه های تعالی معنوی رابطه معنی دار وجود دارد؛ به این ترتیب که تاب آوری با هر سه مؤلفه و با نمره کل تعالی معنوی رابطه مثبت معنادار در سطح ۰/۰۰۱ دارد.

جدول ۳: ماتریس همبستگی میان متغیرها، میانگین، و انحراف معیار

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	میانگین	انحراف معیار
۱- تاب‌آوری	۱					۸۶/۲۸	۱۳/۲۹
۲- پیوند معنوی	۰/۴۵	۱				۱۸/۳۴	۴/۱۴
۳- کامروایی معنوی	۰/۳۲	۰/۴۳	۱			۲۷/۲۲	۵/۶۴
۴- وحدت	۰/۴۲	۰/۵۹	۰/۴۷	۱		۳۳/۸۷	۵/۸۶
۵- نمره کل تعالی معنوی	۰/۴۹	۰/۸۵	۰/۷۸	۰/۸۱	۱	۷۵/۳۹	۱۲/۱۹

$$p < 0/001$$

به منظور پاسخگویی به سؤال سوم پژوهش مبنی بر اینکه هر یک از مؤلفه های تعالی معنوی تا چه حد و در چه جهتی تاب‌آوری را پیش‌بینی می‌کنند؟ رگرسیون چند متغیره (به شیوه همزمان) تاب‌آوری روی مؤلفه های تعالی معنوی محاسبه شد. نتایج معادله رگرسیون در جدول ۴ آورده شده است.

جدول ۴: رگرسیون چند متغیره تاب‌آوری روی مؤلفه های تعالی معنوی

مؤلفه‌های تعالی معنوی	R	R ^۲	ضریب رگرسیون	ضریب استاندارد رگرسیون	سطح معنی‌داری
پیوند معنوی	۰/۵۰	۰/۲۵	۰/۶۲	۰/۲۹	۰/۰۰۱
کامروایی معنوی			۰/۲۵	۰/۱۱	۰/۱۱
وحدت			۰/۶۱	۰/۱۹	۰/۰۱

همانگونه که یافته‌های جدول ۴ نشان می‌دهد، عامل های پیوند معنوی و وحدت به صورت مثبت و معنی‌دار پیش‌بینی‌کننده معنادار تاب‌آوری می‌باشند. عامل پیوند معنوی در مقایسه با عامل وحدت، پیش‌بینی‌کننده قوی‌تر تاب‌آوری می‌باشد. این دو عامل در مجموع ۲۵ درصد از واریانس تاب‌آوری را تبیین می‌کنند.

بحث و نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش تعالی معنوی به عنوان عاملی حمایت کننده در افزایش تاب آوری و همچنین مقایسه اهمیت مؤلفه های تعالی معنوی در پیش بینی تاب آوری بود. یافته ها، به ترتیب سوالات پژوهش نشان داد که اولاً رابطه مثبت و معناداری بین تعالی معنوی و هر سه مؤلفه ی آن با تاب آوری وجود دارد. ثانیاً مؤلفه ی پیوند معنوی در مقایسه با مؤلفه ی وحدت معنوی پیش بینی کننده ی قوی تر تاب آوری می باشد و مؤلفه ی کامروایی معنوی قادر نیست تاب آوری را به طور معناداری پیش بینی کند. یافته های پژوهش حاضر همسو با تحقیقاتی نظیر کارسون (۱۹۹۰)، هاسر (۱۹۹۹) و سانداراراجان^۱ (۲۰۰۶) می باشد. نتایج مطالعات این پژوهشگران نشان داد که بین تاب آوری و معنویت، رابطه معنی دار وجود دارد. یکی از جنبه های نو پژوهش حاضر نسبت به پژوهش های پیشین آن بود که در پژوهش های مذکور بیشتر رابطه کلی دو سازه مدنظر بوده و نقش باورهای خاصی در این زمینه مورد بررسی قرار نگرفته است؛ حال آن که در پژوهش حاضر این مهم مدنظر بوده و نتایج نشان داد که این باور که "فرد بخشی از حقیقت انسانی بزرگتری است که از بین نسل ها و گروه ها عبور می کند (پیوند معنوی)" بیشتر از باور به "ماهیت متحد کننده ی زندگی (وحدت و یکپارچگی)" قادر است فرد تاب آور را در برابر مشکلات روانی - اجتماعی مصونیت بخشد و کارکرد مثبت زندگی را افزایش دهد. در همین راستا لذت بردن از نیایش و مراقبه های روحی (کامروایی معنوی) پیش بینی کننده ی قوی ای برای پاسخی که فرد در موقعیت های پر مخاطره اتخاذ می کند، نمی باشد. به نظر می رسد جنبه شناختی تعالی معنوی (مؤلفه های پیوند معنوی و وحدت) بیش از جنبه هیجانی آن (کامروایی و احساس لذت) پیش بینی کننده ی واکنش فرد به مصائب است.

^۱ - Sundararajan

در تبیین نتایج تحقیق حاضر می توان گفت: باورهای معنوی هدف زندگی را برای فرد روشن می کنند و مایه تسلی در شرایط دردناک و تهدید کننده هستند. آنها باعث می شوند فرد رویدادهای غیرمنتظره را به عنوان رویدادهایی کمتر تهدید کننده ارزیابی کند و قادر باشد رویدادهایی غیرقابل تغییر را بپذیرد. از این دیدگاه، فرد زمانی که با نیروی بزرگتری در ارتباط است و اهداف و ارزش های والاتری دارد، دارای عملکرد بهتری است. یکی دیگر از پیامدهای معنوی بودن، احساس قدرت و آرامش درونی بیشتر است. در شرایط دشوار، معنویت ممکن است تنها منبع دست یافتن به آرامش یا پذیرش موقعیت باشد. مارکونن (۱۹۹۴) معنویت را به عنوان پناهگاه آخر تعریف می کند. یک رابطه (پیوند) معنوی قوی ممکن است رضایت فرد از زندگی را افزایش دهد یا منجر به تطابق (کنار آمدن) با ناتوانی شود. علاوه بر این، رویکردی معنوی می تواند در ترمیم امید (برگرداندن امید به حال اول)، و به دست آوردن دیدگاهی متعادل تر درباره ی عدالت و بی عدالتی، امنیت و خطر، خوب و بد سودمند باشد. مشاهده شده است که باورهای مذهبی قوی تر ممکن است به احساس کنترل بیشتر، معناداری و صمیمیت عمیق تر منجر شود.

از منظرگاهی دیگر، دلگادو (۲۰۰۵) معتقد است که استرس شدید ممکن است موجب شود که فرد، درگیر جستجو برای یافتن معنا و هدف در زندگی شود. یک بحران شدید ممکن است ادراک شخص از احتمالات (شدنی ها، ممکنات) را تغییر دهد و منجر به شناسایی و استفاده از راهبردهای مقابله ای جدید شود.

سازه ای دیگر که تا حدودی به سازه معنویت شبیه بوده و به تبیین یافته های تحقیق حاضر کمک می کند، مذهب می باشد. در خصوص ارتباط مذهب و شاخص های مختلف سازگاری و سلامت روانی (نظیر تاب آوری) در مقایسه با سازه معنویت تحقیقات بیشتری یافت می شود. شایان ذکر است که تا سال های اخیر به علت شباهت های این دو سازه، اصطلاح معنویت به جای مذهب به کار می رفت و بدفهمی هایی را به وجود می آورد. (هرمان، ۲۰۰۱) در واقع، معنویت به عنوان مفهومی وسیع تر و انتزاعی تر توصیف می شود. مذهب به عنوان سیستم سازمان

یافته ای از باورها و عبادات توصیف شده است که غالباً همراه است با تشریفات عبادی- اجتماعی مربوط به فرهنگی خاص. این شعائر عبادی بین گروهی از مردم مشترک است؛ در حالی که همان طور که ذکر شد معنویت در برگیرنده ی جستجو برای معنا و هدف در زندگی و رابطه با وجودی متعالی و برتر است (سولماسی^۱، ۱۹۹۷) که از شخصی به شخص دیگر و در طول زندگی متغیر است.

آلپورت و راس (۱۹۶۷) بین مذهب درونی و بیرونی، تمایز قائل می شوند. به اعتقاد آنان مذهب بیرونی قراردادی اجتماعی است که ریشه در آیین ها و مراسم خاص دارد. از سوی دیگر مذهب درونی چهارچوبی فردی از معنا است که به فرد اجازه می دهد تفسیری از زندگی داشته باشد. از نظر آلپورت افراد مذهبی با جهت گیری درونی، ضمن درونی سازی ارزش های دینی، مذهب را به مثابه هدف در نظر می گیرند؛ در حالی که افراد با جهت گیری بیرونی، دین را صرفاً وسیله ای برای نیل به اهداف دیگر در نظر می گیرند. یافته های تجربی و دیدگاه های نظری محققان نشان می دهد که مذهب درونی از لحاظ مفهومی به معنویت نزدیکتر است تا مذهب بیرونی؛ به عنوان مثال هاشمی و رضویه (۱۳۹۰) طی تحقیقی نشان دادند که همبستگی تعالی معنوی و مؤلفه هایش با مذهب درونی بیشتر از مذهب بیرونی است. یافته های تحقیقات بسیاری در خصوص همبسته های جهت گیری های درونی و بیرونی باورهای مذهبی نشان می دهد که جهت گیری درونی مذهبی همانند معنویت با پیامدهای مثبتی نظیر احساس یکپارچگی، مسؤولیت پذیری، مهار خود، سلامت روان، کاهش اضطراب و افسردگی، افزایش اعتماد به نفس، بردباری، کنترل، سرسختی و شادکامی و ترس کمتر از مرگ همراه بوده است؛ در حالی که اغلب تحقیقات نشان می دهد که جهت گیری بیرونی مذهبی یا با این متغیرها رابطه منفی داشته یا در مقایسه با جهت گیری درونی، همبستگی مثبت کمتری نشان داده است. (آزموده، ۱۳۸۳؛ بهرامی و رضوانی فرانی، ۱۳۸۴)

^۱ - Sulmasy

در آخر اینکه بیشتر صاحب‌نظران بر این باورند که بافت و فرهنگ در انتخاب عوامل حمایت‌کننده توسط افراد آن جامعه، نقش مؤثر و بسزایی دارد. (سی‌چی‌تی^۱، ۲۰۰۰) به عنوان مثال شایستگی تحصیلی و سطوح بالای هوش که در غالب مواقع به عنوان یک عامل حمایت‌کننده عمل می‌کند، در مورد بچه‌هایی از طبقات کم درآمد، گاهی اوقات ممکن است منجر به تنهایی و جدا شدن فرد از گروه شود. (لاتار و گوشینگ، ۱۹۹۹) از آنجائی که بیشتر تحقیقات انجام گرفته در زمینه تأثیر حمایتی باورهای معنوی بر توانایی فرد برای سازگاری موفقیت‌آمیز با مشکلات، در بافتی متفاوت از بافت مذهبی کشورمان صورت گرفته، پیشنهاد می‌شود در زمینه نحوه تأثیر باورهای معنوی بر توانایی افراد برای مقابله با اثرات مخرب موقعیت‌های خطرناک تحقیقات بیشتری صورت گیرد. از سوی دیگر تحقیقاتی که در سالهای اخیر در زمینه روان‌درمانی انجام گرفته، نشان می‌دهد که باورهای معنوی به عنوان عاملی حمایت‌کننده می‌تواند در برنامه‌های پیشگیری و مداخله بیماریهای روحی - روانی تأثیر بسزایی داشته باشد. (وست، ۱۳۸۳؛ خداحیمی و جعفری، ۱۳۷۸) از این رو، پیشنهاد می‌شود مشاوران و روان‌درمانگران به نقش درمانی باورهای معنوی توجه بیشتری داشته باشند. همچنین پیشنهاد می‌شود در خصوص مکانیسم فرایند تأثیرگذاری باورهای معنوی بر تاب‌آوری افراد در شرایط مخاطره‌آمیز، تحقیقات بیشتری صورت گیرد. نظریه پردازان معتقدند سازه‌هایی نظیر معنادگی (اسپیلکا، شارر و کیرک پاتریک، ۱۹۸۵)، امیدواری و خوشبینی (سلیگمن، ۱۹۹۱) و افزایش احساس کنترل و کارآمدی (پارگامنت و همکاران، ۱۹۸۷) می‌توانند نقش واسطه‌را در ارتباط سازه‌های معنویت و تاب‌آوری ایفا کنند. این مباحث در سطح فرضیه بوده و به محک تحقیقات تجربی نیاز دارد.

^۱ - Cicchetti

منابع

- ۱- آزموده، پیمان. (۱۳۸۳). *رابطه جهت گیری مذهبی با سرسختی و شادکامی دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی*. پایان نامه کارشناسی ارشد.
- ۲- بهرامی، فاضل و رضانی فرانی، عباس. (۱۳۸۴). بررسی نقش باورهای مذهبی (درونی و بیرونی) در سلامت روان و میزان افسردگی سالمندان مقیم مراکز بهزیستی و غیر مقیم. مرکز تحقیقات بهداشت روان انستیتو روانپزشکی تهران. *سایت روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران*.
- ۳- جوکار، بهرام. (۱۳۸۶). هوش عاطفی، هوش شناختی، تاب آوری و رضایت از زندگی. دو فصلنامه روانشناسی معاصر، شماره ۴: ۱۲-۳.
- ۴- خدارحیمی، سیامک و جعفری، سید غلامرضا. (۱۳۷۸). روان‌درمانی و مذهب (نقش مذهب بر فرآیندهای بهداشت روانی و روان‌درمانی در روانشناسی بالینی). *فصلنامه اصول بهداشت روانی*، سال اول، شماره ۴: صفحات ۱۹۷-۱۸۵.
- ۵- وست، ویلیام. (۱۳۸۳). *روان‌درمانی و معنویت*. ترجمه شهریار شهیدی و سلطانه‌علی شیرافکن. تهران: انتشارات رشد.
- ۶- هاشمی، لادن و رضویه، اصغر. (۱۳۹۰). بررسی روایی و پایایی مقیاس تعالی معنوی. *مجله دانشور رفتار*. (در دست چاپ).
- ۷- هویت، دنیس و کرامر، دانکن. (۱۳۸۹). *مقدمه ای بر روش های تحقیق در روان شناسی و مشاوره*. ترجمه پاشا شریفی، حسن و همکاران. تهران: نشر سخن.
- ۸- Allport, G.W., & Ross, J.M. (۱۹۶۷). Personal religious orientation and prejudice. *Journal Of Personality and Social Psychology*, ۵, ۴۳۲-۴۴۳
- ۹- Carson, V.B. (۱۹۹۰). The relationship of spiritual well-being, selected demographic variables, spiritual variables, health indicators, and AIDS related activities to hardiness in persons who were HIV+ or were diagnosed with ARC or AIDS. *Doctoral Dissertation Abstracts International*, ۵۲(۵-A). ۱۶۴۶

- ۱۰- Cicchetti, D. (۲۰۰۰). The construct of resilience: A critical evaluation and guidelines for future world, *Child Development*, ۷۱, ۵۴۳-۵۶۲.
- ۱۱- Conner, K. M., & Davidson, J. R. T. (۲۰۰۳). Development of a new resilience scale: The Conner-Davidson resilience scale (CD-RISC). *Depression and Anxiety*, ۱۸, ۷۶-۸۲
- ۱۲- Connor, K. M., Davidson, J. R. T & Lee, L.L. (۲۰۰۳). Spirituality, resilience, and anger in survivors of violent trauma: A community survey. *Journal of Traumatic Stress, Vol. ۱۶, No. ۵, pp. ۴۸۷-۴۹۴*
- ۱۳- Cowan, P., Cowan, C. and Schulz, M. (۱۹۹۶). "Thinking about Risk and Resilience in Families" in *Stress, Coping, and Resiliency in Children and Families* edited by E.M. Hetherington and E.A Blechman. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum.
- ۱۴- Delgado. C. (۲۰۰۵) .A Discussion of the Concept of Spirituality. *Instructor, School of Nursing, Cleveland State University, Cleveland, Ohio.*
- ۱۵- Elkins, D. N., Hedstrom, L. J., Hughes, L.L., Leaf, J. A., & Saunders, C. (۱۹۸۸). Towards a humanistic phenomenological spirituality: Definition, description and measurement. *Journal of Humanistic Psychology*, ۲۸, ۵-۱۸.
- ۱۶- Ellison, C. W. (۱۹۸۳). Spiritual well-being: conceptualization and measurement. *Journal of Psychology & Theology*, ۱۱(۴), ۳۳۰-۳۴۰.
- ۱۷- Fraser, M.W., Richman, J.M. and Galinsky, M.J. (۱۹۹۹). "Risk, Protection, and Resilience: Toward a Conceptual Framework for Social Work Practice". *Social Work Research*, ۲۳: ۱۳۱-۴۳.
- ۱۸- Garnezy, N., & Masten, A. (۱۹۹۱). The protective role of competence indicators in children at risk. In E. M. Cummings, A. L. Green, & K. H. Karraki(Eds.), *Life span developmental psychology: perspectives on stress and coping* (pp. ۱۵۱-۱۷۴). Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates
- ۱۹- Grossman, F.K., & Moore, R.P. (۱۹۹۴). Against the odds: Resiliency in an adult survivor of childhood sexual abuse. In C.E. Franz & A.J. Stewart (Ed s.), *Woman creating lives* (pp. ۷۱-۸۲). San Francisco: West view Press. Karraki(Eds.), *Life span developmental psychology: perspectives on stress and coping* (pp. ۱۵۱- ۱۷۴).

- ۲۰- Hall, T.W, & Edwards, K.J. (۱۹۹۶). Spiritual Assessment Inventory. (available from Rosemead school of psychology, Biola University, ۱۳۸۰۰ Biola Ave., La Mirada, CA, ۹۰۶۳۹).
- ۲۱- Hauser, S.T. (۱۹۹۹). Understanding resilient outcomes: Adolescent lives across time and generations. *Journal on Research on Adolescence*, ۹, ۱-۲۴.
- ۲۲- Hauser, S.T. Allen P. J. (۲۰۰۶). Overcoming Adversity in Adolescence: Narratives of Resilience. *Psychoanalytic Inquiry*. New York: Vol. ۲۶, Iss. ۴; p. ۵۴۹ (۲۸ pages)
- ۲۳- Hermann, C. P. (۲۰۰۱). Spiritual needs of dying patients: A qualitative study. *Oncology Nursing Forum*, ۲۸, ۶۷۷-۶۸۲. Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates
- ۲۴- Ingram, J.A. & Sandvik, E. (۱۹۹۴). The holy spirit questionnaire. (available from rosemead school of psychology, Biola University, ۱۳۸۰۰ Biola Ave., La Mirada, CA, ۹۰۶۳۹).
- ۲۵- Kalayjian, A., & Shahinian, S.P. (۱۹۹۸). Recollections of aged American survivors of the Ottoman Turkish genocide: Resilience through endurance, coping, and life accomplishments. *The psychoanalytic Review*, ۸۵, ۴۸۹-۵۰۴.
- ۲۶- Kalil, A. (۲۰۰۳). Family resilience and good child outcomes. A review of literature. *Centre for Social Research and Evaluation*
- ۲۷- Luthar, S. S., & Gushing, G. (۱۹۹۹). Measurement issues in the empirical study of resilience: An overview. In: Resilience and Development: Positive Life Adaptations. eds. M. D. Glantz & J. L. Johnson. New York: Kluwer Academic/Plenum Publishers. pp. ۱۲۹-۱۶۰.
- ۲۸- Marcoen, A. (۱۹۹۴). Spirituality and personal well-being in old age. *Ageing and Society*, ۱۴, ۵۲۱-۵۳۶.
- ۲۹- Pargament, K.I., Echemendia, R.j. Johnson. S. Cook, P, Mcgath. C. Mayers. J. & Brnnick. M. (۱۹۸۷). The conservative church: Psychological advantages and disadvantages. *American Journal of Community psychology*. ۱۵, ۲۶۹-۲۸۶.
- ۳۰- Pargament, K.I., Smith, B., & Koeing, H. (۱۹۹۶). Religious coping with the Oklahoma City bombing: the brief RCOPE. Paper presented at the Annual Convention of the American Psychological Association, Toronto, ON.

- ۳۱- Park, C.L. (۱۹۹۸). Stress related growth and thriving through coping: The roles of personality and cognitive processes. *Journal of Social Issues*, ۵۴, ۲۶۷-۲۷۷.
- ۳۲- Piedmont, R. L. (۱۹۹۹). Dose spirituality represent the sixth factor of personality? Spiritual transcendence and the five-factor model. *Journal of personality*, ۶۷, ۹۸۵-۱۰۱۳.
- ۳۳- Piedmont, R. L. (۲۰۰۱). spiritual transcendence and the scientific study of spirituality. *Journal of Rehabilitation*, ۶۷, ۴-۱۴.
- ۳۴- Piedmont, R. L.; Leach, M.M (۲۰۰۲). Cross-cultural generalizability of the spiritual transcendence scale in India. *The American Behavioral Scientist*; ۴۵, ۱۲; ۱۸۸۸
- ۳۵- Piedmont, R.L. (۲۰۰۴). Spiritual Transcendence as a Predictor of Psychosocial Outcome From an Outpatient Substance Abuse Program. *Psychology of Addictive Behaviors*. Vol. ۱۸, No. ۳, ۲۱۳-۲۲۲
- ۳۶- Rutter, M. (۱۹۸۷). "Psychosocial Resilience and Protective Mechanisms". *American Journal of Orthopsychiatry*, ۵۷: ۳۱۶-۳۱.
- ۳۷- Seligman, M.E.P (۱۹۹۱). Learned optimism. *New York: Random House*.
- ۳۸- Spilka, B, Sharer, P, & Kirkpatrick, L,A (۱۹۸۵). A general attribution theory for the psychology of religion. *Journal for the Scientific study of religion*, ۲۴, ۱-۲۰.
- ۳۹- Sulmasy, D. P. (۱۹۹۷). The healer's calling: A spirituality for physicians and other health care professionals. New York: *Paulist Press*.
- ۴۰- Sundararajan. SH (۲۰۰۶). The relationship of spirituality to resilience in adolescent. ph.D. Thesis. *Proquest site*.
- ۳۹- Valentine.I.&Feinauer.I.I. (۱۹۹۳). Resilience factors associated with female survivors of childhood sexual abuse. *American journal of family therapy*. ۲۱, ۳
- ۴۱- Werner, E.E., & Smith, R.S. (۱۹۸۲). Vulnerable but invincible. A Longitudinal study of resilient children and youth. *New York: McGraw-Hill*